

صاحب امتیاز
و مدیر مسئول
دکتر اسمعیل
اردلان.

ناشر
تفصیلی

کوشش

بهیچ حزب
دسته یا جمعیتی
بستگی ندارد

تک شماره ۴ ریال

۲ شنبه ۱۳ فروردین ۱۳۲۴

سال اول - شماره ۶

بقلم آقای ترجمانی زاده

(میاست)

کله سیاست در میان سایر کلمات بسیار بدبخت و تیره رو و واقع شده است یعنی چنان از میرای طریقی و منسای طریقی خود دور انداخته که مردم مراد اصلی از وضع آن مشکل و دشوار بنظر می آید و دست مفهوم لغت و معنای آن از او جدا می شود و کاملاً عبارت (کلمه حق براد بهایاطال) درباره آن صدق پیدا کرده است. سیاست در حالت یعنی نگاهداری کردن است و همین مناسبت بهتر است را سانس گویند سپس دالر، آن منی بزرگ روسیتر شده بطوریکه غالباً نگاهداری گروهی از مردم را هم میاست گفته اند.

در زمان تمدن اسلام که علوم و آداب ملل مختلفه مخصوصاً یونانیان ترجمه کرده سیاست در اصلاح علما بر سه رفته حکمت علی بنی ماست بنام سبب اطلاق سیاست در ملل پیرامون و خوانداری سیاست لغت یعنی اداره امور و فهرست ترتیب کارهای کشور اطلاق گشت و در این باره حکما، پیشرو ما، اسلام کتب و رسال کثیرا بپراخته و سخنان بسیار برین فرم و لیکو گفته اند.

چنانکه گفتار های سقراط و افلاطون و ارسطو در باب تشکیل مدینه فاضله و آراستگ هر یک گسترده مدخل و داد و اخلاق ستوده اجتنامی در دنیا مشهور و بر زبانها روان است و همچنین در کتاب کبلیه و دهن رموز بسیار دقیق از فنون کشورداری بیان شده است و ساطور در عالم اسلام چه در قرآن و احادیث و چه از بزرگان دین آثار بسیار و گفتار های بسطی در این موضوع آمده است که از مجموع آنها قوانین عیب و جاسمی تشکیل یافته است که امروز بهره بزرگی از آن بنام فقه اسلامی و بخشی بنام تاریخ و سیرت و قسمتی بنام اخلاق و آداب و مواضع معروف است و در این باب تا به حضرت علی ابن ابیطالب (ع) بالا کش است و نامه حسن بصری بصرین عبدالعزیز شرب اللیل شده است.

و بعد از شیخ ابن آثار شمر و لوبسته کمان و سهو دران و دانشمندان از هر ممل و گروهی در موضوع سیاست وارد شده و داد منی داده اند که در ایران از شمرایش از همه از سعهی بقه در سده ۲

مالیات بر در آمد بطرز مستغربه آمیزی مطاباً به میشود

کارهای ملکات ما همه اش با چیزی
شده :
مجلس جولانگه بازیگران گشته ،
قانون آلت دست این و آن شده و ادارات
بصورت مسخره درآمده است .
بچه روزی و کاز آتشبار شدن بصورت
از ممالیات بر درآمد میکشد ، و بر اظهار
نمایی که تنظیم کرده بودم اداره ممالیات
بر در آمد اعتراض کرده بود و در تمام
مرا بده برابر آنچه اظهار کرده بودم
تصین زده و بنام تنصیف اداره بین باغرا
کرده است - من گفتم او را حل باغرا
کردم زیرا در این دروזה چیزهای زیادی
میگوشد و اغلب مسئله کوچک و بامقدری
بر در کله میبندد که شخصی ناچار است
مطلب مطالب را با نذرده نامی کند
دیروز تصافاً ورقه «پیش آگهی»
و ا شماره ۲۵۹۹ دیمه ، و امضا خود از
کدام بلند شده ، اظهار کننده طبق مندرجات
این ورقه رسمی در آمد ، خود را بخواه
بر در آمد میل کرده بود ، اداره ممالیات
تنصیف داده بود .
مالیاتی و اکسیز و اکسرماتینها بطار
کننده تعلق میبگرفت ۳۴ دینل و مبلری را
که اداره ممالیات بر درآمد مطالب کرده
بود ۲۵۵۰ ریال میل کرده بود ، اما این
که این اداره تنصیف داده بود ۱۶۱۰۰۰
برابر ممالیات اظهار کننده بود .

در این ورقه اظهاری در ذل عبارت
در کس در دره تنصیف و مدی دیگری
دو در عبارت و اظهار رسمی اداره ممالیات
بر در درآمد طرا بر ، دیده بسته ، فل از
ایسکه این انحصار را بینهیم گمان کردم
شاید شخصی برای خوشی یا اظهار کننده
این ارقام را در ورقه چاپی دولتی نوشته
و نوشته انحصار را بیدم و ورقه را چه دار
از سر تا سر خواندم بر فهم و درایت اند
کننده گان آن بر نمی گشت .
و اما شخصی ، بنیکه عدم تناسب این
ارقام را بنظر میآورد در دروهای از فکر
اژی میماند نشود هر کس بدهی
استفاده میکند همدای میبازد و غارت
میکنند ، همدای با یکس های آهنی برین
دلت میگویند و مرکب خود را بخرند
در میآورند ، همدای باناز و تنصیف
میکنند و از این اقبال مردم بلا مانع هر چه
میخواهند میبرایند ، مردم بجای عدل
دور نماند ، میبندد و بار شد ، ایسکه ناظر
این بشا برین موارین فجاج هستند زندگی
مرگبار خود ادامه میدهد ، و کوچکترین
هکس انسانی نشان نمیدهد .
درویشی نشان نمیدهد و فکر کاره گیری و

از این چنین صلحای ما را تا امید ساخته که اصلاح اوضاع و افرین
ممکن می بیندند ، و از این دور بر همدل ناچار اعتراضی نمیشود و در
مقابل تمام این اصلاح هیچ جنبشی بوجود نمی آید .
بدهی است تا موقوفی که ما اجازه همی همی هر ناکی را بر ما
حاکم کنند و هر امر بی منی و اطاعت کنیم روزگار مسامحن است
و در روز روزی بدتر میسود و اگر گرامتری حس از خود نشان
دهیم و اگر در وقت تعاریت مراده قلند بکنیم و اگر مشت هارا
کرم کرد ، مالدی برین بشا گران و ما بر اجوابی بگویم اطمینانی بسوی
ترتی و سر راهی برداشته ایم .
این است حال ما و این است راه ما تا یکی در این راه قدم
برداریم !

سیاست

پایه اصلحه ۱

آیه از مشهورات و مسلمات همدانه که حق باقوی است، حرف حق ز دهان توپ بیرون می‌آید، هر تاذع قاق نبرد زدمی باید از طبیعت جبری گرد، پایه اساس جهان اجتماع است، جنات جوییدن، و حرکت است، صلح خصم و در کوداست، جنک مایه ترقی است، صلح تنبلی و آسایش است، و باین ترتیب شیادان و فریبکاران بزرگ اساس آسایش و سعادت بشری را منهدم کرده‌اند و دنیای جدید را بسوی برنگاه هب و هول اسگری سوق می‌دهند و افرادش و عنصر جوانرا معصوما چنان گمراه و سرگردان ساخته‌اند که هیچگونه علم و منطق و آموزش و پرورش قادر بر هدایت و رهاشنای آمان بقیقت و راه راست نیست و فروع سعی و رنج و تلاش و کوشش آموز گران و مریان و روانشناسان و واعظان و دانشمندان خیلی کشر از آنجی‌شاید و باید مشر کشر خواهد بود هر چه، اندیشه و فکر می‌کنند نیدانند چگونه توده بشر را بشاهراه سعادت و خوشبختی و اتحاد و اتفاق و برادری هدایت نمایند.

ای کاشی مشرات و مفاصله‌کنه سیاست نا ایجا بود از این مرحله تجاوز نمی‌گرد ولیکن غیر ملک مظهر دیگری نیدارد و در معانی مبتذل و سواستی هم استعمال می‌شود که آن‌ها داسان هکمت انگری است و بیشتر بر بهیضتی و پریشان روز کاری مردم افزوده است به‌بابت دیگر آن درخت جانی میوه های تلختر و ناگوارتری بلور آورده است یعنی سیاست از آن منای کلی‌ولی و بزرگ خراج و هر مانی برآیند و هویت و گوچکتر و فوایح قری بکار می‌رود تلاک گرندگی از افراد دور فریا انتزاعی یا جعلی یا بیگانه را وسیلهٔ پیشتاز مقدمه خود قرار دهه خود را از این چوین می‌شمارد و بیخالی خود از سیاست سرآمده است و البته چون این معنی مخصوص طبقه زمامدار نیست بلکه شامل سایر طبقات و افراد و اصناف ممکن است بشود خطر و ضررش بسیار معش و وحشت آورده است امروز این معنی در میان مردم حاکم و تابع و مشهور و متداول است و باین مفهوم اخیر است که افهاسنمتر جاهل و کوه پنهان خود را می‌سازد و سیاست‌هاز می‌داند مثلا کسی که یکی از مسائل نامشروع را در خود یا دژهای سیاست و اطلاعات داخلی یا خارجی پنهان و جانی با تروت و مکتبی رسیده خود را سیاسی میداند یا کسی که بوسله جرایم پنهان انتساب یا اجزای مختلف با هم تناسلی و لغامی می‌کنند خود را سیاسی و این مدل خود را هشاکار جهان سیاست معرفی می‌نمایند یا افهاسی که بیجالی ضروری زده‌اند و آنجا را می‌داند تاغش و تلاغش و ترازو خورق را فاده‌اند و بیهم می‌گویند و ناسزا می‌گویند و بنیه بروی هم می‌زنند خود را پهلوان میدان می‌سازد تلخاند می‌کند چه با اشخاصی می‌نمایشم که در فلان دوره‌یک از طرق تنک آزر بادست تعاداف او را بر کرسی می‌نهد یا وزارت یا کار می‌سپش نشاند است یا تطعیا هو و چار و چنگال یا تفسری و داد و فریاد بکانون اجتماعات فاسده راه یافته است امروز آن منبع عمل خود را از غنوم سیاسی خود و راه از بازیگراف و پنهان خودان هر صه سیاست آن دوره معرفی می‌نماید و هواره برخ مردم می‌کنند که مگر مع بودم در فلان موقع ۱۰۰

و همچنین کسانی هستند که خود را قهرمان سیاست‌چنگ می‌دانند و ملت این که در فلان موقع بوسیله حیل و غده یا همه و دست‌خ جسی از هوطنان و برادران و عزیزان خود را همه آن تیرو گلوله فرارده‌اند یا شاه آن هاروا طریقه آتش‌نودانه آن هاروا درآشینه کوچک خود در دورهمی رساخته انوار اموال آن هاروا بظارت برده است فرزدندان و کسان آن هاروا بکشتن داده‌است و اکنون خود را تابع فلان منطقه یا نایب سبانت جنک می‌شمارند کمی نیست که بی‌کدام می‌یهراند و تباهاکاران این کارشاه خلاف روی جوانرندی و شجاعت و شرافت و فنون و غیرت و هجرت است شما باید پیگانگان را از مردم پایه فرسوده ۶

و مردوسی باید یاد کرد که جبارت گوناگون و لغتهای مختلف اندوه‌های بسیار سونده و نفس گفته‌اند خلاصه در تمام این دوره‌ها از کله سپاس سوه استفاده ندهند تا توپ بدوره های تازه رسیده است یعنی بعد از نضج تمدن جدید در اروپا که علوم سیاسی بیشتر و عمیق‌تر و بافته و مدرسه های بزرگ برای آن ساخته شد و شمیر شاهانه های متعدد پدیدار گرد و باهکمال گوناگون در آمد و ترقی و ماهدات تجاری و اقتصادی و جنگی بین الدلی با در میان گذاشت.

از توسعه این کله تهریجا از منی اصلی خود منحرف شد یعنی زمانه‌هازان و کشور مداران تازه دم در میدان کار نهادند و بتدریج از سیاست با مترشد آن تنبیران معذف نمودند در وهله اول گفته سیاست یعنی باید در حفظ و حراست منافع کشور خود کوشید بشرط اینکه منحل و مخالف حال سایر بشر باشد و در سخت این نظر مطابق همان منای پاک و متزه می‌بود که قفسا گفته بودند سپس تفسیر کله سیاست در مرحله اولی وارد شد یعنی باید در حفظ منافع کشور خود کوشید و اول بزبان و ضرر دیگران باشد و بعد از این هم برهله شوئر و مخورنری در آمد یعنی باید بزور حیاوه تزویر و سیاسی معضف اضاف جلد دیگران را از حقن مشروع خود پنی حق آزادی و حق مساوات و حق استفاده از آب و خاک محروم میکرد و بظهور بدست آوردن بزرگی و برتری و سرمی و سروری و تروت و صنت برای کشور خود و در اینتقال بود که گفته سیاست را بالیره از مکان خود تکان‌داده و از امیرا حقیقی خود منحرف ساختند و از منای اصلی خود بکلی بیگانه گردانیدند و راه دروغ و تلب و حقه و فریب و غده و هزاران صفت زبیه و پست و خوبهای نکوهیده و کارهای ناپسندیده را برای مردم کشودند

بطوریکه زمامداران و مامورین بزرگ و وزیران و شاهان و سران کشورها در جهان که در زمان های پیشه که غالباً باخلاق بنده‌بده اقتصادمورامات می‌گردند و راست گوی را جزء قضا و فاضل مغشوش می‌شوند و اکنون سیاست دوج می‌گویند فریب می‌دهند حه بازی و تلاطم‌داری و کلامگذاری و ... می‌کنند و بی‌چوجه شجالت می‌کنند و سیاست‌چنگ برپای نماندند و بدینگونه توه شرف بشریت را خوار و بی‌اهوار کرده‌اند و کلاهی مروت و فنون و جوانرندی و وفا و صفات کرامه ناسه ساخته و متاع دروغ و دزدی و نارسندی و نامردوسی و رواج داده‌اند و بازارشده و تزویر و جور و چلار کرم و برحوش خراب کرده‌اند اگر بگویم بیشتر آلام و امقام و مصائب و اجابح و اذرا از کثرت سیاست خود سرچشمه گرفته راه میانه و افراشیده بودم ام بزرگ عالم استایه همه این بویژه جوانان و دانش آموزان که هواره درمیخه خود ورشین بنام آنها راضف زده گانی خود و رفناور کفر در آن هاروا سرتق خود فرارده‌اند و غلب اوقات نقل احوال آن هزاران لیت سیب و زویر و گناور و سیه‌انتهار خوش می‌دانند و از این مطالب بی‌میرم با اینکه چرا ماهدات و تعینات و قول‌ها و وعده های دولت‌ها و ملت‌ها و رجال و مردمان کادر در این عصر هیچکدام مورد اطینان و اعتقاد مردم نیست و تنبیر و نقش و ابرام تو آن‌ها با است و منظم و بانضای اوایل مختلف مزاج روژ کاروبش طبیعت احوال و احتیاجات اقویا می‌یابند.

سیماهای اجاب و قبول و الفسافه لمب و نقوش و غشوط و حرف و مهورا و ضا و سایر مترادفات اینها هیچکدام معنی بی‌شخصی ندارند و در جریان امور گوچکتر کنی اثری بر آنها پای نیشوده نظر فقط چیزیکه دلاله برهنی می‌کنند و مدار تمام امور است قوت و ضعف و فنی و فقر است و باین دلیل در میان مردم جمله های

خبرهای خارجه

درجبهه باختر

میدان حله مارشال، کوشکبری ایستادگاری هفتاد و پنج کیلومتر مربع و تقریباً ۴ کیلومتر عرض میباشند. اسپرانی که بدست این واحدها افتادند تاکنون بالغ بر هفتاد هزار نفر میباشند پیشروی سپری خارو با سرحد بی نظیری ادامه دارد متعین شهر امیرش که در هفتاد کیلومتری باختر و در طول قرار دارد دشمنان و غاوری این شهر بیرونی ادامه دارد ولی با پاره‌ری صرف هنوز شده است. نیروی انگلیسی پس از ۱۷ کیلومتر پیشرفت در روز و جنگله و سنگالی رسیده است لشکر ۶۳م که بوسیله هواییا پیاده شده بود متجاوز از سی و پنج کیلومتر پیاده پیاده و اکنون نیز متشوق پیشرفت است درجبهه ارتش دوم آلمانها هنوز موضع دفاعی خود را تشکیل ندادند ولی ژرژان هانی که در مقابل منتهی هفدهم دارد فرماندهی هشتاد نیروهای خود را یک جا جمع کرده اند و در روز پسر های انگلیسی با یک مقاومت روز افزونی مصافد گردیده اند.

اهدافهای ارتش سرخ

ارتشهای شوروی که جلو دارانستان دو خات ارتش بالا راه یافته اند درجبهه بطول ۱۰۰ کیلومتر درخارو در ۱۷ مایل متر گزر گردیدند دویست و هفتاد نفر از نیروهای مارشال تویوچین و مارشال مایلیوسکی فاختان بنیارسنارو و روسای بخش میهن از خاک جارجستان و یوگوسلاوی از چهار سوی جبال کاپادوکیا طرف مرزهای گروسی مواجه میباشند. هدفهای اصلی بقار زیر است ۱. نیروهای مارشال مایلیوسکی که در طول کرانه شمالی رود دانوب درجبهه ای بطول ۶۲ کیلومتر پیش میروند اکنون سوی شکاف بریتانیا و طرف وین و وینر باره. دو جنوب رود دانوب نیروهای منضبط مارشال تویوچین و مارشال مایلیوسکی در جهت وین - گوتشتاد پیش میروند. در این شهر کارخانه های مشهور منراشیت مراد دارد که چندین بار از طرف نیروی هوایی متعین بمباران گردیده است. در جنوب این ناحیه واحد های دیگر مارشال تویوچین - یوگوسلاوی قرار دارند.

گروا یکی از شهرهای مهمی است که در کار راه آلمانی که تربیت را بوین - نیتل بیکنه قرار دارد. در جنوب باختری درواجا با لائونو جناح چپ ارتش تویوچین سوی مرزهای شمال خاوری یوگوسلاوی در مسیر راهی که از - لاکرب بیکنه و شکاف تربیت متعین میگردد پیش میروند. بر اثر این بیست و هفت ارتش سرخ خواهد توانست که با قوای متعین در ایتالیا تماس حاصل کند.

ارتش سرخ تقریباً به هفتاد کیلومتری وین رسیده است

ارتش سرخ در مناطقی که برای منافع جنگی آلمان حایل آهست حیاتی میباشد درصدد ایجاد یک تکیه گاه مهمی بر تهم و فلورنسا خواهد کشید که از جهت شمال و غاوری جنوب این منطقه بود فلورنسا و نیروهای شوروی از خواهد گرفت عیال نتیجه سله نیروهای شوروی در خاک ایش نیروهای آلمانی که در کوههای تاتسرا واقع در ۱۰۰ کیلومتری کربنر گز پانته بودند در یک جبهه پیاده و پنهان کیلومتری پیش شده اند. ایستگاه انتقال میروند که مقصد از این حرکت گزارا پیری هانا نهر هم قسمت باختری است و آلمان کی باشد.

اخبار داخله

استفای آقای نثار زاده آقای تنی زاده از قبول نمایندگی ایران در کنفرانس سفارتسک خودگردانی نبوده اند. اداره جبهه بندی اداره کل جبهه بندی از اداره کل پیش تفکیک و آقای مهدی و توفیق بریاست آن اداره انتخاب شدند.

روئای قسمتهای اقتصادی
آقای عبدالحسن نینیاربایست اداره کل خریدند. آقای محمد نجم آبادی بریاست اداره حقوقی و مطامرات ادعادی. آقای جلال شامیان بریاست مکل دفتر وزیر کار گزینیدند. آقای عبدالاشرف شامیان بریاست اداره ترگز حسابها منصوب شدند.

روئای سازمان اقتصادی
این آقایان از طرف هیئت مدیره سازمان اقتصادی دولت بکفالت ادارات اقتصادی شهرستانها تعیین و احکام آنها نلکارفا ابلاغ شده است. آقای برزگر بریاست سازمان اقتصادی مشوه آقای نور بخش بریاست سازمان اقتصادی اصناف آقای فرزاد بریاست سازمان اقتصادی کرمان آقای شویج بریاست سازمان اقتصادی هوا و آفات بریاست سازمان اقتصادی شاهرود آقای سالور بریاست سازمان اقتصادی زجاج آقای کویما بریاست سازمان اقتصادی کلبایگان آقای صمدی بریاست سازمان اقتصادی بزق آقای صاحب دولو بریاست سازمان اقتصادی بروجرد آقای محمود صالحی بریاست سازمان اقتصادی کرمانشاه آقای مهدی صادقی بریاست سازمان اقتصادی همدان آقای زور کش بریاست سازمان اقتصادی تروین آقای بیانی بریاست سازمان اقتصادی بوهره.

تزیینت یادبود پانچان
آقای محمد علی آزادانی از طرف هیئت مدیره اقتصادی مأمور شدند که به استان خوزستان رفته تشکیلات اقتصادی آنجا را بدهند.

نگارهای رانده

از دیواندره
آقای مظفر حبیبی تکلفار مصلی مطایره ندوده بر اطراف آقای علی محمد و سوس که خود را دبیس طایفه تیلکوهی معرفی کرده و تحت این عنوان تلگرافانی بر گز مطایره کرده معترض میباشند. آقای مظفر حبیبی بر سر مرحوم طایفه حبیبی اظهار میباشند که طبق ابلاغهای و سوس ایشان ست ریاست طایفه تیلکوهی را دارند نه علی محمد و سوس.

از دیواندره
آقای خلیل ارجمند تلگرافانی از انتشارنامه کوهستان اظهار سمرت کرده اند.

از دیواندره
آقای محمد حسین تلگرافانی از انتشار نامه کوهستان اظهار خوفونی نبوده اند.

مخبرها از مهاباد می نویسند

- وضعیت فعلی شهرستان مهاباد بدین قرار است .
- ۱ - از مزاجت جناب آقای قاضی محمد از مرکز - اهالی استثنای شایانی نبوده و مشارالیه نیز هنگام ورود بیاناتی راجع به توجه مرام دولت نسبت به کردستان بویژه شهرستان مهاباد ابراز فرموده که نامه ای به سوس اهالی گردیده
 - ۲ - دو دایر دولتی در نهایت منطقی برقرار مشغول کار میباشد و سوس رئیس دارائی و حسابداری بملت سازمانی در تبریز توقف نموده اند و فلا آقای ملی منتمی و گیل دولتی بوده و اهالی کمال ائشان را از ایشان دارند
 - ۳ - اهالی از انتخاب شیر وزارت فرهنگ در موضوع تعیین آقای محمد کویان پور رئیس فرهنگ مهاباد میساکز او بوده و امیدواریم که وضعیت فرهنگ خوبرود شود
 - ۴ - بهداری خوبرداری از احاطه دارو و غیره رضایت بخش نبوده و انتظار داریم هیئت دولت در این خصوص توجه بیشتری بنماید

بندوبج که حمایت پیشرفت حاصل مینماید شهر و منطقه وین که در کیفیت تکیه گاه عمده جنوب آلمان میباشد اهمیت خود را از دست میدهد. در این موقع که روسها فقط ۶۰ کیلومتر از پایتخت اطرش فاصله دارند باید گمان آن شهر خود را برای زود خود در کوه و شیایا آماده مینمایند. نیروهای مارشال آلتونوسکی در وسط رود دانوب مشغول پیشرفت میباشد و بنا بر این احتمال میروند جنگ مهم آینه در منطقه شکاف بر ایسلر که اکنون واحدهای ارتش سرخ چندان فاصله نمی از آنجا دارند به وقوع پیوندد.

بخش کشاورزی

پایه آبی مهندس درجه ششم

نگاتی را کد کشاورزان باید توجه نماید

بات موجود زنده است که برای رده و دو غوه احتیاج بود مفید و محیط مناسب داشته و در دوران حیات خود مثل تمام موجودات زنده مورد حمله امراض و آفات قرار میگیرد که اگر موفق بقایه بماند امراض و آفات خود زندگی را ادامه داده و الا تسلیم نشود و فنا میگردد اما غنای آن که بیت با سایر موجودات دارد اینست که اولاً بشخصه قادر نمیشود و مسائل زندگی خود را مدیریت نماید و سر آن که کشاورست و اولاً زودرس است و سر آن قرار داده تا زود رونق میجوید و اما... امراض ششامی، بوسالیا، طبعی دفاع میکند اما با دفع ضعیف است. بنابراین امراض و آفات را در صورت اجتناب نمیشود بنابراین... مورد ریه و ششامی و طبعی کشاورزان و کشاورزان از موهبی است که بزرگیه، جوانی، نیروی زنده او است که با دست آوردنی و سهولت خوب و زیاد و اینست از طرف آن و این است که در زمان ننگانی است که تصور میروند کشاورزان میرگوش پیش پای آنها آفتاب دارند ولی برای یادآوری و تجسید غمخواران شد شرح آنها بیورد باشد.

۱- انتخاب زود نازدهای مختلفه نباتات نسبت به امراض و آفات و سایر عوامل طبیعی یکدیگره حساسیت اندازد و هر چند در این معادله ای هستند که متمایز خاصیت نژادی آنهاست مثلاً گندمهای نازده میان - گندم خان - گندم قلیچک - گندم سیاه گندم کوسه برهنگا گندم خرقان نسبت به مرض زنگ استقامت خوبی داشته و گندمهای فرا قلیچک و نوابک برض زنگ زیاده حساسند. دو و بره و زود نرس و ساری و سفدا و گمش پایا و گندم مقاومتشان کم و نوع امریکائی ۳۱ بیجوره مقاومت ندارد و همچنین گندمهای اربانیکا و روس (خوابین غلات) زیاده مقاوم بوده در صورتیکه تا یکپور و قزاقیچک غبلی کم مقاومتند و با گندم مانتینا نسبت به مرض شاری و کوسه پودنا نسبت به مرض سیاهک زیاده حساسند. دو انواع نباتات اهم از یکساله با دانه ای این خاصیت نژادی تجلی یافته و برای زاردهن وسیله خوبی جهت مبارزه با عوامل طبیعی فراهم میسازد مثلاً در لواحی که با دانه ای پاییز زود شروع میشود کشت بنبهای نوع انگرس کتیک و ترپس که خیلی زودرس است بسیار مطلوب بوده و برعکس دو قطعی که برات کثرت دارد و کمی جهت نباتات پاییز زیاد است کاشت بنبهای دیررس از قبیل گوک مبتغالی و سی اند متداول خواهد بود. همچنین در لواحی که با دانه ای پاییزه شدیدی بنبهای زاد بولی. کاراگر و اربانی و دایر زادهای امریکائی و مصری ترجیح میدهند.

دومود و دستخواب نباتات چندساله خاصیت نژادی نیز از لحاظ مبارزه با آفات زیاد مورد نظر است مثلاً ریشه موهامی معمولی برای فلیکسرا که آفت بزرگ این نبات است محیط مساعدی در صورت ریتیک موهامی بومی امریکائی در اثر وضیت خاص غشا، ایمرسی و ریشه ای موهامی رشد و نمو فلیکسرا میدهد از طرف دیگر محصول موهامی بومی امریکائی خوب نیست از این نظر موهامی امریکائی را بتوان پای انتخاب کرده و روی آن از نوع مرغوب پیوند میکنند در نتیجه نبات حاصله هم به فلیکسرا مقاوم خواهد شد و هم محصول خوبی خواهد داد.

انجمن سافرانسیکو

پلاسکوت و انگلیس و دیگر و نیز غیر ضروری انگلیس چنین خبر میدهند که وقایع اروپا ممکن است مانع خود از این سفره و زبیران امور خارجه سه دولت بزرگ متفق در انجمن سافرانسیکو شرکت کنند.

امروز معادل رسمی و انگلیس و عقیده بر آن بود که ممکن است بهین دلیل تشکیل انجمن بنامین آند. چنین تصور میروند که موافقت کیس امور خارجه شوروی بر اثر گرفتاری بودجه دولت اتحاد جماهیر شوروی نتواند بیجوره در انجمن سافرانسیکو شرکت کند ممکن است که دوزبیر امور خارجه دیگر هم در انجمن شرکت نمایند مگر بطور تاراب و زبیران موزبیر گرفتار مسائل سیاسی که مربوط به سقوط آلمان است میباشند و همچنین نام توجه وهم خود را صرف بحث و بررسی دور میروم استامبله سازمان جدید بین المللی بنامیند. از طرف دیگر متفکر نظر پاینده دولت شوروی قبلاً بنشیند اصلاح بنشود. و دربارن او کسی را نشود از این دو لازم است که بش از آن در انجمن سافرانسیکو سه دولت بزرگ متفق به مذاکرهات بریزد.

هر آینه تصور میروند که اگر ناس ۲۵ آذربیل تشکیل شود - چنین نظر میروند که لهستان نتواند در آن شرکت نماید.

تصور میروند از اینکه فوق العهبت خاصیت نژادی تا اندازه ای روشن شده باشد بنابراین پدر و نانه که مورد کشت قرار میگیرد قبلاً با موهامی با هم (۱) میزان عملکردشان چطور است.

(۲) دوزبیر مقاومت این پدر نسبت به ششک و رطوبت و چقدر است. (۳) زودرس است یا دیررس. (۴) قبلاً این پدر در اراضی پر فروت کاشته میشود یا کم فروت. بلوری که در زمینهای پر فروت پایدار کاشته شوند دیررس تر که در اراضی کم فروت کاشت شوند نقصان فاشی در محصول پیدا خواهند نمود و همچنین اگر پدر استماده نداشته زمین رانوق. معاده پر فروت نسبیته حاصل از این چند تجارو نکرده و معالجات ذراع بجهائی نخواهد رسید.

(۵) استقامت به سرما - در لواحی که سرمای زمستان شدید است باید زادهای را انتخاب کرد که مقاومت بیشتری به سرما دارند. مثلاً گندمهای بوهامی میان و برمه و زود نرس بهر ما کم استقامت و کوسه و سرخس نسبتاً مقاومت بیشتری دارد از این نظر در لواحی که زیاد سرد میشود باید زادهای نوع اول را انتخاب نمود. (۶) در مورد غلات استقامت به بوس غلات و بوسه ریز زود و روس میکنند. در مورد غلات وقتی که مقدار ازت زمین زیاد باشد و در مورد برنج زمانی که نوس آب در اثر زیاد زیاد شود این نباتات میروانند. برای ولع این بیه باید اولاً نژاد های مقاوم را انتخاب نمود تا نیا در صورتیکه

میدان محصول زیاد مقاوم زیاد نیست دو ارتقگی بزرگ باید در محصول نوع تالی بود آورد و در مقاوم باشد و هم محصول تا نیا اگر این وسیله مقدماتی و ادعای محصول و بنامینا و مقاومت و معلول با هم کاشت تا نژاد مقاوم چطور قیسی از خوابین نژاد کم مقاومت مثل اولی نماید.

نسبت بکدام یک از امراض مقاوم و نسبت بکدام حساس است و کشت آن با امراضی که در نایب شایع است از لحاظ پایه برای حصول نتایج فوق باید انواع پدر در دهان مورد توجه قرار گیرد. بدینوسیله اصلاح پدر هر یک بسیار ساده ای بوده و مستلزم دانش اطلاعات فنی و جاسی است از این نظر تا و نامیکه کشاورزان با اطلاعات بسیار علمی ندارند و بیته مالی آن ها اجازه اقدام با ملاح پدر را نمیدهند وزارت کشاورزی باید دارای بنگاه اصلاح نباتات بزرگی بوهامی و از مایش انواع مختلفه نژاد برای هر یک از آن ها ششامه جاسی تهیه کرده و دو اول هر سال نتیجه آزمایشها را بدورن و سمانی انتشار دهد و بطور مجانی در دسترس کشاورزان قرار دهد. ضمناً ماورین معطام از طرف وزارت کشاورزی بدعت و کثرت را هر سر کشتی کرده و با در نظر گرفتن وضیت جوی و استماده زمین و میزان آب و سایر عوامل ذراعی دستور کشت نبات لازم داده شود و بنگاه اصلاح پدر کرج از چند سال پیش دست با ملاح بزرگ بود - چندین - بنه و آزمایشهای لازمه بعمل آورده است بنابراین کشاورزان علاقه مند می توانند اطلاعات مفصلی از آن بنگاه کسب و مورد استفاده قرار دهند

بنام آقای محمد مردوخ (آب تاش اردستانی)

-۶-

گرد و گردستان

آقای محمد جمال الدین منیری در کرمانشاه
معتبر نامه کوهستان میباشند.

جانماسب وزیر پیشکار کتکتاب. دفتر زردشت را صفه
(پورجیست) برجیس نام داشته برنی گرفته برادرزاده خود را (اهور)
هم بزودت داده است این مشافره پنی زن بزین سبب شده که
جانماسب هم باو کتک ناید. مورخین متعبرانه که هرودت مورخ.
تقریباً سه سال پس از این زودت گردید با آمدن هبه دناشته که بهیچوجه
دو تا پنج خوندانی او از بریده است. ۱۱

اخبارا یک پوست بزرگ در سایه پاییه. بقط پهای دست آمده
که در آن چند شمیری برسیل مرابه و نحوه نوشته شده است.
آن اشعار هم دلالت دارند بر اینکه کردها در آغاز سرایت اسلام
پشاک گردستان. دارای آیین زودت بوده اند. و «هورمز» را
پرستش کرده اند.

در آن اشعار جمله عربی از کتکستان را شرح میدهد. که قراه
و قصبات را تا نواح «شهرزور» غراب کرده اند. و آن اشعار
از اینقرارند.

هورمزگان زمان آتران آزان
ویشان، شاره وده وده گمروه کوره کان
زود کار ارب گسردنه خارور.
گسای باله هتسا شاره زور
خشو و کتیکان و دیبل پشینا
میرد آزا نلی زوری هوبنا
زودت زردشتره ما نو بی کس

بزیکا یکا هورمز و هوجیکس
اشعار زیاد است. فایر هیط چهار شعر را در نظر داشتیم
فرجه آنها با رسی از اینقرار است. «هور مزگان» پنی
هور مزد گنگان که عبارت از مسجد هاست «رمان»
پنی غراب هندن (آتران گزای) پنی آتسا خاموش و کشته شده.
(ویشان شاره وده) خود را پنهان کردند «گوره گورکان» پنی بزود
بزود گنگ. مقصود ستادید کرد است. «زور کار ارب» کرده
خارور و عرب مستکار خارور کردند «گسای باله متاشاره» زور
دهات شهرشاه را تا بشر زور. «شوو کتیکان و دیبل پشینا»
ذنان و دختران پاسپر رفته. «میرد آزا نلی زوری هوبنا»
دایران و زاده مردان بروی خون غلطیده. «دوش زردشتره ما
نود بریکس» آیین زودت یکسای مانه. «بزیکا یکا هورمز
و هوجیکس» هورمز هوجیکس رحم نکرد. «آتران آتشدکه ها
و آتشدکه اهل هم که در اساکنی گردشین موجود وانی هستند.
دلالت دارند بر اینکه کرد ها آتش پرست بوده اند. بطور
کلی از هلاکت و آتران تاریخی می توان حکم کرد که کردها در ابتدا
هزار پرست بوده اند، پنی نشان مراتب علاقه بود با آتش
پرست شده اند اخبارا قشعی بیوسی شده اند سببی گرد و پارس
هرودت بالاخان بدین اسلام متعبر شده اند و امروزه مدعی رسمی
اگرچه مدعی صنف اسلام است.

بطوریکه در شماره پیش ذکر شد آخرین زودت هسان
زودت کرد است که در زمان کتکتاب در ارمیه (رضاییه) ظهور
نمود فردوسی دوسب او میگوید.

نهم پشت زودت پیشین بدو
مه آباد پینسر و استگو
که تصور کرده از نسل مه آباد است. در صورتیکه از مه آباد تا
زمان کتکتاب گرد چندین هزار سال است. پنی چندین هزار پشت
لازم است تا زودت اخیر باو برسد و نه پشت مورد تداوم (زوج
با دستار و اندام صنفه (۵) - دستر (۱۱) کن) که در تحقیقات صنف
زودت منحصص است تاریخ توله زودت را در توبه دوم قرن هفتم
پیش از میلاد نوشته و فوت اراد و بیست و نه قرن ششم که نزدیک بروایت
خود (درفشیا) - که ظهور او را در سال ۶۶۰ نوشته اند اما در
(زینة الصحایف) ظهور او را در سال ۴۷۸ قبل از میلاد نوشته
است.

پهرسال زودت اخیر پنی زودت کرد برمان تا پنج سرجان
منگ صنفه ۲۷ و سایر نورایح (سودو) و (س زه اسبابی) و
(ناقوت) (زقرنیتی) و (اوالدهام) و (ابن تنیه) و (یادری
و خوردا) و غیره... متوله اروپه پنی وضایح کنونی است
که پسر پورسام، پسر گیوا، پسر آردک، پسر آتکه، پسر آذیر
پسر مایر، پسر هوربان، پسر اسهیان میباشند.

در زمان کتکتاب در سال ۶۶۰ قبل از میلاد ظهور نمود
اسه و کتکتاب باو گردیده و صنف او را روح داده است و همین
روح داده آیین زودت سبب افشار اسم کتکتاب شده و اگرچه
او بکسر فرماندار باغ پشپر بوده است شاید اقدامات (نوس) گزایی
دو توبه میانی آینه زودت نخستین در گیانان پنی هسان کنونی
برای مساکمه با اقدامات کتکتاب در تروج آیین زودت کرده بود.
است (چنانکه بعد ذکر مفهوه) - این کتکتاب از نژاد گیان اسه
پسر کی لهراسب، پسر کی ارچان (دولت شاه) پسر کی مانوش پسر
کی آبو پسر کی لید کرده. اولین اجداد صنفه گیان اسه.
و بطوریکه فردوسی میگوید ۳۸ سر داشته است.

(پسر بود کتکتاب را سی دهه دلبران کوه و سواران دهت)
یکی از پسران او اسنه با بر زمین است که اعلیجه مطولای
(ار) و پنهانی و او اسه میباشند.

کتکتاب در اواسط قرن هفتم پیش از میلاد ۶۶۸ ق. م.
فرماندار باغ بوده اسه اصلا نام او میباشند است باضام که
(کی) پنی بزود که اغضاص پسله گیان دارد. (کی میباشند)
شده. پنه دو توبه کثرت استدل. دیبل به کتکتاب شده است.
پنی از مورخین این کتکتاب را با (گرساب) آخرین
پادشاه پیشدانی که در اواخر قرن هفم پیش از میلاد در کتکتاب
کرده اند پنی هم با و پشتاب با هکتکتاب پسر دایر و پش هسانتی
که در اواخر قرن ششم پیش از میلاد در کتکتاب اختیار کرده اند.

آقای محمد صدیق حیدری

درمهاپا نایبند ما هستند کسانی که مایل به
اشتراک نامه کوهستان باشند (ولعاطسولوه امرسکن
است بیانشان مراجعه نمایند.

بلم به راهمردان کرد

بگواهی همومروزه جنرمارشاسان و هلمای ابداع کرد از... نوزدهمین باینترین که حتی در زلفهای تراویداستیل سالیانه نداشت میباشند.

نفت میسالی تام ماوروی لیشکی و گشوری بنارین مصلحه و با باینرهای هشیانی و ماغرانه که فقط آلت دست احساسات فرخ آلود و نایاب خود شده بودند کرد رنبدیه و وظیفه شناسی و محنت و اذیت داده بدون اینکه از کسی بیم و هراس داشته و با سخما را شاهه و ناظر باشدند.

زیردیکتاتوریه بالاخره سرکون و بطور ظاهر آزادی نام و بیان و عقیده بسوم ایرانیان اعطا کردید بلافاصله احزاب و دسته ها، جنبشها تشکیل روزنامه و مجلات شداد یکسال خورشیدی منتشر (احساسات روزنامه نگاران بیوم این آزادی) پوچانی یک یک بوده آنچه که دیده و شنیده و خوانده بودند بروی صفحات جراید آورده به پنهان کرد اذینه روز حتی ازین دورگراسی فریبیده و نوحالی هم استفاده نبرده بیش از پیش زهر فشار سنگه استوارده قدری فرار گرفته و فرامندان لشکر اساتذندان و فرما مغان دیگر ماورودونی بنظور اینکه بنتر و تکرار خود و بدیع و محنت خودشان را بکشاورزان و دوستانشان کوه نشینان کردستان نشان داده باشد علاوه بر زلفانی و غارت روزنامه و مجلات و نامه های بیست و بر مساسور کرده با یکدیگر و نواختن ازان و کن اساسی سرطیبت محرم و نوبشان ساخته تا مگانه نامه همسان نوازی و کرمرونی و حبیب و حیا و اطاعت کرد ای بلای خودشان کرده بسکاران و مردان و حیل گران و گر گابنکه بلیاس میش در آینه خود را نکینان و مردودان و خدمتگزاران و نوابده اند از اطلاق و رفتار ناپسند به نواختن سود برده بچال اینکه گزردا مطیع و آرام دینا و بیوایی غیروی مطاعه بدون راهمردانهای بیاد گزیرا بوده و از هر نامشیت ناروا کرمی عبور کرده - اشهران و کارمندان گشوری هیچگونه اذیت و خصمیت برای خود نماند و بوده و تصور بیاطل و سود مبرک و درنگ نازش خود را از حیث داشت و هرگاه محتر و ایامت و اغزل و کمال و آداب معاشرت و زنده گانی نسبت با بر قوم پاک سرشت نریزاده و گمان میکردند خاوندند مندرک معامن اخلاقی ملی و ادبی را در خود نشان بویوده گذاشت است -

اینان که در این امتیاز برای خود کوشیدند اگر وقت حکایت در مکرگری از آقا صاحب خود برآید از یکطرف برزرگ عالمی و بپدر صنف

بگواهی همومروزه جنرمارشاسان و هلمای ابداع کرد از... نوزدهمین باینترین که حتی در زلفهای تراویداستیل سالیانه نداشت میباشند.

نفت میسالی تام ماوروی لیشکی و گشوری بنارین مصلحه و با باینرهای هشیانی و ماغرانه که فقط آلت دست احساسات فرخ آلود و نایاب خود شده بودند کرد رنبدیه و وظیفه شناسی و محنت و اذیت داده بدون اینکه از کسی بیم و هراس داشته و با سخما را شاهه و ناظر باشدند.

زیردیکتاتوریه بالاخره سرکون و بطور ظاهر آزادی نام و بیان و عقیده بسوم ایرانیان اعطا کردید بلافاصله احزاب و دسته ها، جنبشها تشکیل روزنامه و مجلات شداد یکسال خورشیدی منتشر (احساسات روزنامه نگاران بیوم این آزادی) پوچانی یک یک بوده آنچه که دیده و شنیده و خوانده بودند بروی صفحات جراید آورده به پنهان کرد اذینه روز حتی ازین دورگراسی فریبیده و نوحالی هم استفاده نبرده بیش از پیش زهر فشار سنگه استوارده قدری فرار گرفته و فرامندان لشکر اساتذندان و فرما مغان دیگر ماورودونی بنظور اینکه بنتر و تکرار خود و بدیع و محنت خودشان را بکشاورزان و دوستانشان کوه نشینان کردستان نشان داده باشد علاوه بر زلفانی و غارت روزنامه و مجلات و نامه های بیست و بر مساسور کرده با یکدیگر و نواختن ازان و کن اساسی سرطیبت محرم و نوبشان ساخته تا مگانه نامه همسان نوازی و کرمرونی و حبیب و حیا و اطاعت کرد ای بلای خودشان کرده بسکاران و مردان و حیل گران و گر گابنکه بلیاس میش در آینه خود را نکینان و مردودان و خدمتگزاران و نوابده اند از اطلاق و رفتار ناپسند به نواختن سود برده بچال اینکه گزردا مطیع و آرام دینا و بیوایی غیروی مطاعه بدون راهمردانهای بیاد گزیرا بوده و از هر نامشیت ناروا کرمی عبور کرده - اشهران و کارمندان گشوری هیچگونه اذیت و خصمیت برای خود نماند و بوده و تصور بیاطل و سود مبرک و درنگ نازش خود را از حیث داشت و هرگاه محتر و ایامت و اغزل و کمال و آداب معاشرت و زنده گانی نسبت با بر قوم پاک سرشت نریزاده و گمان میکردند خاوندند مندرک معامن اخلاقی ملی و ادبی را در خود نشان بویوده گذاشت است -

اینان که در این امتیاز برای خود کوشیدند اگر وقت حکایت در مکرگری از آقا صاحب خود برآید از یکطرف برزرگ عالمی و بپدر صنف

بگواهی همومروزه جنرمارشاسان و هلمای ابداع کرد از... نوزدهمین باینترین که حتی در زلفهای تراویداستیل سالیانه نداشت میباشند.

نفت میسالی تام ماوروی لیشکی و گشوری بنارین مصلحه و با باینرهای هشیانی و ماغرانه که فقط آلت دست احساسات فرخ آلود و نایاب خود شده بودند کرد رنبدیه و وظیفه شناسی و محنت و اذیت داده بدون اینکه از کسی بیم و هراس داشته و با سخما را شاهه و ناظر باشدند.

زیردیکتاتوریه بالاخره سرکون و بطور ظاهر آزادی نام و بیان و عقیده بسوم ایرانیان اعطا کردید بلافاصله احزاب و دسته ها، جنبشها تشکیل روزنامه و مجلات شداد یکسال خورشیدی منتشر (احساسات روزنامه نگاران بیوم این آزادی) پوچانی یک یک بوده آنچه که دیده و شنیده و خوانده بودند بروی صفحات جراید آورده به پنهان کرد اذینه روز حتی ازین دورگراسی فریبیده و نوحالی هم استفاده نبرده بیش از پیش زهر فشار سنگه استوارده قدری فرار گرفته و فرامندان لشکر اساتذندان و فرما مغان دیگر ماورودونی بنظور اینکه بنتر و تکرار خود و بدیع و محنت خودشان را بکشاورزان و دوستانشان کوه نشینان کردستان نشان داده باشد علاوه بر زلفانی و غارت روزنامه و مجلات و نامه های بیست و بر مساسور کرده با یکدیگر و نواختن ازان و کن اساسی سرطیبت محرم و نوبشان ساخته تا مگانه نامه همسان نوازی و کرمرونی و حبیب و حیا و اطاعت کرد ای بلای خودشان کرده بسکاران و مردان و حیل گران و گر گابنکه بلیاس میش در آینه خود را نکینان و مردودان و خدمتگزاران و نوابده اند از اطلاق و رفتار ناپسند به نواختن سود برده بچال اینکه گزردا مطیع و آرام دینا و بیوایی غیروی مطاعه بدون راهمردانهای بیاد گزیرا بوده و از هر نامشیت ناروا کرمی عبور کرده - اشهران و کارمندان گشوری هیچگونه اذیت و خصمیت برای خود نماند و بوده و تصور بیاطل و سود مبرک و درنگ نازش خود را از حیث داشت و هرگاه محتر و ایامت و اغزل و کمال و آداب معاشرت و زنده گانی نسبت با بر قوم پاک سرشت نریزاده و گمان میکردند خاوندند مندرک معامن اخلاقی ملی و ادبی را در خود نشان بویوده گذاشت است -

بیان حق

بوجب امریه (یا داد و جملک غلبه لیا اراش فاحکم بین اناسی با لعل ولا تبتیر الیوی بخلک من سبیل الله) بر هر فرد آری که از طرف خاق و خلق بر سرستی جامه منکب میکردند واجب است و هابیت حق و عدل را زوده و بخلاد عدالت و درستی قلمی برآوردند بن افسوس موزود مردمانی که پای بند بیانات باشه این ووه بیشترت نازد وهر که درست باغه درجاسه طرف بقول واقع شده و مردودودوست است - مضمون صوابین مسکت که کلاهی تقوی و حق برستی مشتری لغارد این معنی بیشتر روح دارد که در وجه و صیغه دانه چنانچه بقررا بر کردیم و بتاریخ و جوع نامیم چنگ و جل و صیغه طبع و صیغه برستی درست شده مردمان طماع و دنیا پرست آن آشوب را فراهم نموده مسام است عصر حاضر که هزار و صیغه و شصت و چهار سال است از ایام سعادت دور گشته ایم بیسی اش افراد دین پرست و صیغه دوست برای جرئی جلب منافع حاضرند هزارها چنگ و جمل و معین را تجیده لایند -

زمانه انان امروزه آقا پیر حضرت انار لونیون علی غی هستند باید منتظر واقع شلی شهیدتر از اجل و صیغه باشدند و آقا بیومردان بی شونه و بیت الدار مساجد را بینهاده شاد لایان و دنیا پرست تقسیم نمایند گزیرت با صیغه نسیل است در هر کرای و وقت خود نموده اند صحرای صحرای ارضاصحرا حلق و در دستکار و در اوقات و اقیان درجاسه حیا و محکم بفاکر کرده اند دران صورت هیئت دولتمرا اولی است که بر سرکجات کرده تا دارالمآ کثرت داشته و کف پشاه رخ خود را برآینه کرده تا ایران بوجب فراموش تاریخ هجرت نواختند بگر اجتماعی قلم و ویشتری بردارد ولی خوب است خلاف صحر حاضر با دران اقل کشان روز هم در بخت با صیغه اصلاحی این مسکت را در حق و استیصال و نظر گرفته بر صحر دولت و صاعده و کشور از این نتج و بی تکلیفی خلاص نمایه با این که صدق و بی امانی و نیکو با با اینها بی امانی انون اطمینان و اطمینان رسول و اولی الامر میباشند ای یکجنگه با حضرت مهابود شانه مند و جوان بسته استعدا خود بکنار کرده مثل طریقی ذات ماکونه باشد به ریاست دولت صیغه فریاد و هوو مثل هم از دولت پشتیبان نبوده در این موقت مهم دیناوردن را برادر از اگر بدین دولت با صلح لغوت برسانند و لا کلی رفته امنیت به بخورده از دست وضع هقش حال قیز و خدمت با اینرا این دتر خواهد شد -

بپدر صنف

بگواهی همومروزه جنرمارشاسان و هلمای ابداع کرد از... نوزدهمین باینترین که حتی در زلفهای تراویداستیل سالیانه نداشت میباشند.

نفت میسالی تام ماوروی لیشکی و گشوری بنارین مصلحه و با باینرهای هشیانی و ماغرانه که فقط آلت دست احساسات فرخ آلود و نایاب خود شده بودند کرد رنبدیه و وظیفه شناسی و محنت و اذیت داده بدون اینکه از کسی بیم و هراس داشته و با سخما را شاهه و ناظر باشدند.

زیردیکتاتوریه بالاخره سرکون و بطور ظاهر آزادی نام و بیان و عقیده بسوم ایرانیان اعطا کردید بلافاصله احزاب و دسته ها، جنبشها تشکیل روزنامه و مجلات شداد یکسال خورشیدی منتشر (احساسات روزنامه نگاران بیوم این آزادی) پوچانی یک یک بوده آنچه که دیده و شنیده و خوانده بودند بروی صفحات جراید آورده به پنهان کرد اذینه روز حتی ازین دورگراسی فریبیده و نوحالی هم استفاده نبرده بیش از پیش زهر فشار سنگه استوارده قدری فرار گرفته و فرامندان لشکر اساتذندان و فرما مغان دیگر ماورودونی بنظور اینکه بنتر و تکرار خود و بدیع و محنت خودشان را بکشاورزان و دوستانشان کوه نشینان کردستان نشان داده باشد علاوه بر زلفانی و غارت روزنامه و مجلات و نامه های بیست و بر مساسور کرده با یکدیگر و نواختن ازان و کن اساسی سرطیبت محرم و نوبشان ساخته تا مگانه نامه همسان نوازی و کرمرونی و حبیب و حیا و اطاعت کرد ای بلای خودشان کرده بسکاران و مردان و حیل گران و گر گابنکه بلیاس میش در آینه خود را نکینان و مردودان و خدمتگزاران و نوابده اند از اطلاق و رفتار ناپسند به نواختن سود برده بچال اینکه گزردا مطیع و آرام دینا و بیوایی غیروی مطاعه بدون راهمردانهای بیاد گزیرا بوده و از هر نامشیت ناروا کرمی عبور کرده - اشهران و کارمندان گشوری هیچگونه اذیت و خصمیت برای خود نماند و بوده و تصور بیاطل و سود مبرک و درنگ نازش خود را از حیث داشت و هرگاه محتر و ایامت و اغزل و کمال و آداب معاشرت و زنده گانی نسبت با بر قوم پاک سرشت نریزاده و گمان میکردند خاوندند مندرک معامن اخلاقی ملی و ادبی را در خود نشان بویوده گذاشت است -

انجاس و ترجمه : ش. ا.

ماه غسل

—۳—

سلیا دختر زیبایی بود که زندگی معمری داشت، روزها در اداره کار میکرد یکی از روزها در راه جوانی را دید و دلپاشته او شد بدون اینکه با این جوان صحبتی بکند یا از نام و نشان او اطلاعی داشته باشد تمام وقت خود را باغیال او میگذرانید. سلیسیا دوستی عاشقانه با این دینک که از طولیت با هم بزرگ شده بودند دینک سلیا را دوست میداشت و او را جز این حق میداد سلیا جوان با او بیست معشوقه بود برای سرگرم بودن سلیا او را به پیمانهای ای دعوت کرده اتفاقاً جوان ناشناس هم در آنجا بود سلیا او را دید این جوان هم تصادفاً از دوستان دینک بود.

سلیا روزی بهیدگر معرفی شده رفته دوستی پچالی رسیده که سلیا به او داده روزی که از طبقه آیدان بوده معرفی شده، سلیا طبقه سرگذشت خود را این طور بیان میکند :

فردای آن روز فراد شد روز بیژن سال آمده من هم وی را میسر و مادر خود معرفی کنم من آنروز را از اندازه خود مرخصی گرفتم که شاید بتوانم منزلت او قدری نیز بکنم بالاخره روز دو ساعت ملزم آمده آفتاب شام را با ما صرف کرد با پدرم صحبت میکرد و از صحبتهای شیرین پدرم با من مینویسید. چنه روزی که گذشت روز از من سؤال کرده که تو از پدر و مادر من خوشتر آمدی یا نه . من گفتم آری و ضماً از او پرسیدم که آیا تو از پدر یا پدر و مادر من علاقه داری هستی ؟ او کسی فکر کرد سبب گفت چرا پدر و مادر تو هم به بیستته ولی البته تو باید گفتن با آنها معاشرت کنی آخرین کلمه حرف او که شنیده یافتم بیستته بیستته اعصابی بدن مرا از رفتن و برآوردن از این حرف و عقیده خاطر و سگمرد ندیده گفتم روزی بطور چینه چیزی ممکن است

در این موقع یکی از دوستان روز وسیده وصیبت ما قطع شد چنه روز بعد روز مرا برای کنسرتی دعوت نمود و گفت حکه والدین من هم در این شب دعوت حضور دارند من گفتم بطور است که پدر و مادر مرا هم دعوت نکنند او از این پیشنهاد من ناراضی نظر آمده و گفت سلیا تو املا حرف آنها را هم با من نزن شنیدی این کلمات بی این اندازه مرا میبندم و متنازل شاد دوستی گفتم روزی انجام این نتوانا چیزی نمیکنم است. چنانچه آنکس دارد در جواب جوانه بدو اجازه بدهد که از پدر و مادرش صرف نظر کند مگر تو میتوانی از پدر و مادر خود صرف نظر کنی؟ گفت البته میتوانم ترش میکنم از اصل پدر و مادر ندانم اما این دلمه با سراسر کمال عشق تو میتوانی ولی از همه من بکلی خارج است و حاضر من است که تو چشم پوشیده ترا فراموش کنم.

این کلمات را در حالیکه رهنه سراها پدید آورده بودند و هر چه میپوشان با بود بن دانه بود از دستم بیرون آورده بیوش برتاب کردم. قلبم با هدفت هر چه شامتری بلطین گرفته بود خشم و غضب آبی مصلحت بن مرا راحت نیکگذاشت. بالاخره با نصیابت هر چه شامتری از لافه بیرون رفتم اما روز بدبختی من من آمدن و هر دم یقینانی خود را نسبت بکلماتی که ادا کرده بود بن گوشزد می نمود اما . . .

اما حرفهای او دیگر در من اثری نداشت و هر قدر اسرار میگرد که افلا با تو میبیل او بنزول برویم من خواهش او را بپذیرفته را منزل پیش گرفته روانه شدم.

یکماه تمام در منزل پدرم بسر میبردم سرزنشهای کولگانو از طرف پدر و مادر خواهر برادر بن میشد آنها از ما ملحق من در خانه بسیار متعجب بودند و هر دم یقینی بر دل ویش من میدیدند.

روزی دینک، دوست همیشگی و صمیمی من او را در خانه من ماندن همیشه اسرار خود را برای او باز گفتن تا شاید راهی بیابد و مرا از کرداب اندوه و نگرانی که در او غوطه ور بودم رهایی بدهد. دینک پس از آنکه نگرانی گفت تنها راهی که من میتوانم تو را هدایت کنم این است که هر چه زودتر بسافرت چنه روزه بروی تا خاطر ات گذشت را از یاد ببری . از او مطلب و راهنمایی کردم او مرا بیک ایستگاه هوایی که در نزدیکی شهر واقع شده بود معرفی کرد.

و پس نگاه شخصی بود تقریباً بین ۳۸ سال، قیافه اش قدری متفکر نظر میآمد. چند روزی در آن جا با چندین نویسنده اشتغال داشتم.

یکروز بیرون مقدمه یکی از مستخدمین بنگه در باب اطلاق مرا باز کرده گفت آقای جیبسی مدیر بنگه شما را احضار کرده است. بلاذنب بطرف اطاق جیبسی رفتم آهسته دروا باز کرده علت احضار شدن خود را پرسیدم. وی پس از احترام و ادب زیادی که هیچگاه از او ندیده بودم و متوقع چنین پذیرایی بودم از من درخواست کرد که عصر آن روز در ایستگاه بیکری از معاشرت ما رفته شام را با هم صرف کنیم.

خواهش او مورد قبول من و آمدن و عصر با هم بطرف یکی از رستورانها روانه شدیم پس از صرف شام یکی از نویسندگانی جیبسی روپن کرده گفت : سلیا من تا حال که در این بنگه هستم کسر را بزرگی و مهارت تو ندیده ام و حتی میتوانم اقرار کنم که زیبایی تو نیز کمترین توصیفات قبلی تو است بطوریکه بکنم معاشرت با تو شخصی را بپذیرد و آرزوی عشق میسوزاند. سپس اضافه کرد : من در دوران کودکی سرچشمه حیالت یعنی پدر و مادر خود را از دست داده ام حتی آغوش کوچک پدرم که کوچکترین نشانه ای هم از آنها ندارم. این بنگه بزرگی را که مشاهده میکنی زاده منی و جدیت خود من است که با زحمات زیاد آنها بیایستادم.

سلیا من با پچالی هیچ دختری ملاقات نندادم از روزی که تو یابان بنگه اقدام کنادری هر دم آتش عشق من نسبت بن تو شعله و تر میگردد و در چنین موقعی از تو

پیام به دامزدانان کرد

بقیه از صفحه ۶

برداشت کردستان کشر و نالایقترند. سها اعد و ستان و یار ن کرد خدای گساینگه جهانیان با نفعات امری و نژادی و اختلاقیات اذعان و ایبان دارندهشای فرزندان کورش و داریوش - توای دهانیکه سراسر ایام سال در کشتزارها و مزارع سیز و خرمن عرق ریخته و آذیناب سوزناک چوپه سلیه و مصومت را سیه قام ساخته - بیدار شویده بر خیزید. بخورد آید بهشت کنید. بر بارگاه اهتین و باغ فریاد پلنه از حلقون خود دناغ

با این دیوا : و غولان بی شاعر هم مبارزه کنید و بدانید که در سرزمین اجساد اندی شوه حق حیات دارد و وظیفه شماست که بر علیه فساد و خرافات و موهومات و جهل بیکار کنید ایام خللت و زود و استبداد در شهر بود ۱۳۲۰ برای همیشه با بان یافت دیگر سزاران نیست بهر کس و نساکس سلیم شده اعتناق حق را بطنبت و چرخ گردون واکداریم - تا کی کاین خون دل خوردن و زجر و عذاب کشینی - تا کی در سیه جاهلای خوفناک و نناک زندان خمبیدن تا کی با پای خود بر سردار رفتن تا کی زور شنیدن - تا کی عذاب وحشی و جور سامانن شلاسه تا کی دست برآنان و نشتن و استنده از دیگران بلطین و تحمل میمورتی کردن - پس است شامها ایرانی الاصل هستین محبت و حلاقه به آب و خاک خود دارید - خوب دست اتحاد بدهم داده سوگند وفا داری یاد کرده از گذشته چشم پوشیده مبین فریزر از آباد سازید و در راه مصلحت و استقلال ایران و احترام از پرجم سه رنگ آن کس شویده و نگذارید اجبارا بروشت نانوران و نهورنران سوار خون ناپداندن کرد برمنی حقیقی شوه شایسته هراوع ترقی و مسافت و تسهیه است

انتظار دارم خواش مرا بنیدری و در آهنگه از دینکی با من ازدواج کنی - گنجهای جیبسی هر قمر سردی بر بدن من نشایند و ما پدریانی فکسر فرور برد.

چاپخانه کشاورزی

تلفن ۷۷۸۷

کوهستان

مالکین کردستان

از ستاد ارتش چه میفرمایند

هفته گذشته قبل از وصول تلگراف ذیل، تحت عنوان «برای اطلاع ستاد ارتش» اشتباهنامه لشکر کردستان را که فرزند کریم ایالتک تلگراف مصلی از ستاد جاسازی شده زیادی از ستاد ارتش به رسیده که ذیل درج میشود:

تلگرافی

تبران جناب آقای نلسون و ژنرال و فوشت جناب آقای ویسی مجلس شورای ملی و فوشت جناب آقای وزیر راه گزینی و فوشت جناب آقای وزیر جنگ و فوشت جناب آقای وزیر کشور و فوشت جناب آقای فرج آصف نایبده معتمد - کردستان و فوشت ستاد ارتش و فوشت ژاندارمری کل رو فوشت نمای عدالت و فوشت و طایفه و فوشت ایران ما و فوشت گروه ستاد و فوشت لشکر چهار باغتر و فوشت فرمانداری ستاد لشکر چهار باغتر ابلاغ نموده تا آخر اسفند ۲۳ جری از اسلحه که از سیستم های مختلف برای خطرهای داده باید بیشتر تحویل داد و ستاد آنکه در وقت ۲۰ بهرورد ۱۳۲۰ حدود ۱۵۰۰ هزار فشنگ برهنه بلافاصله فراواندوشی مسلک بدست ستاد ارتش کردستان افتاد و به خدمات تاریخ ثبت و پرونده های وزارت خانه و ادارات دولتی حقوق این امر دارای اسلحه بوده اند از نقل و فراتر جان و حال رهاها مقرر نموده و در

این سه سال نیز اتفاقاتی رخ داد و نقل هم از شش نفریست که شری ستاد به نامور دولت عبور میکند و به مالک اختیاری دارد ایلانک در تحت ایلانک تصرف اشرار افتاده بنابرین با بودن اسلحه فراوان در دست اشرار و خود این جزئی از اسلحه در زد و راه لار و پوزوری است و ستاد ما در بیشتر چهار باغتر اسلحه فرماید تا از سر کوه های و طایف اسلحه از آنها مطالبه این جزئی از اسلحه از رها خودداری نماند و الا به همین استرداد اسلحه از رها فوراً اشرار ارتش دولتی ایلانک نیز باید امتشاش نموده و مویات بدست فراموش نمایند با اشرار مل مجرم - شیخ احمد غازی، ملاه الدین قیانی، میرا بوعلی احمد، حسین و گل و جبهه قزاق، حاج محمد حسن و اسد الله حاج و بری، اسد الله، زبیری، بهمی ستاد - علی اشراف سنندج، علی اشراف

مشیر وزیر، ابوالقاسم صادق و زبیری، نبی اردلان، فردوسی، مصطفی حسین، علی اکبر میرزاده، منصور یاسان، حاج حید شویس، جناب آزاد پور، نصرت الله سمود اردلان، مجید اردلان، مین آزاد پور، جده محمد کریم، سید شهلائی، حاجی باقر رشیدیان، نصرت الله صادق، گوران محمد سعید، تنولی، حاج مصطفی، حاج هوشنگ باهن، سید محمد شید، مظفر بابان اردلان، حاج محمد باهن، سید اردلان، هادی سنندجی، عطایه آصف.

لازم میدانیم بار دیگر توجه ستاد ارتش را باین موضوع حیاتی جلب نموده اظهار داریم که با این طریق عمل -

لمودن بهیچوجه صلاح نیست.

امضاء کدگان تلگراف فوق

از طبقات مختلف مالکین سنندج

بوده و اظهاراتشان بسیار صریح

و مطلق و قابل توجه است.

و اینک در دوجی تلگراف اظهار شده

«ستاد ارتش» تصور کسانی است که

بنام روسای ستاد مویات تک و بدانی

موم ستاد را فر هم کرده و با در دست

داشتن اسلحه های فراوان منتظرند از

فرصت بنظر تراجاج و شاکری استفاده

نمایند البته صلح سلاح این قسم هائس

نامناسب باید در درجه اول مورد توجه

باشد.

بپذیر است و قیاس دست این بدست

از اسلحه گزیده شده طبیعت ظم و آراش

هیچکی سر فرار نخواهد شد ولی انگلیس

اینجا تحت حمایت فرمانده لشکر باشند

پس گرفتن اسلحه های دولتی از مالکین

و رهاها و عواید معض میباشند چتر استناد

ارتش که مویات ایگرو و عناصر فاسد و

مجازر و جوارها را به مود کدگان سانی و اول

در این هفته نامه های متعددی از مهاباد رسیده و موضوع واقعه غارت شهرداری را مشروحاً نوشته اند اگر چه میدانیم دولت از اصل واقعه و جریان آن کاملاً استحضار حاصل نموده ولی اقدامی که در این باب تاکنون شده مقرر نموده است.

اهالی مهاباد عموماً از این اتفاق ملول و از عدم توجه دولت باین موضوع بسیار متاثرند.

شایسته نیست چنین عملی که ساکنین حصار ناحیه های را بی چشمه لنگه دار کرده همانطور محکوم بماند حقیقت کشف شود و همین به کیفر نرساند.

فدتها واقعه مهاباد بلکه مسائل مهم دیگری در غرب است که هنوز از طرف دولت حل نشده و تصمیمی که با عمل را می باشد راجع به آنها گرفته نشده است.

صاحب اعتبار و مدیر مسئول:

دکتر اسمعیل اردلان

بهای اشترک سالانه ۴۰۰ ریال

تک شماره ۴ ریال

مقالات وارده سردر نشود و اداره روزنامه در دوج

با حک و اصلاح آنها آزاد است

محل اداره: خیابان بهاولی کاشی شماره ۱۵۲۴

تلفن شماره ۸۵۲۸

مهاجرات مراجعه هر روز صبح باستانی تا پنجشنبه

از ساعت ۹ تا ۱۲ بیست

۱. تک مطبع است اول دست آنها را از گریبان و جان و مال مردم گرفته اند - اگر چنین اقدامی بنفول شد دیگران یا طبیب حاضر اسلحه ها را تحویل خواهند داد.

۲. از غرابی که اطلاع داریم این مسئله هم کاملاً طرف توجه ستاد ارتش بوده آرا سراسری نه پنداشته است از این جهت در این شماره پیش از تک گری را جایز ندانسته منتظر نتیجه اقدامات ستاد ارتش میباشیم.

۳. ضمایم عوام اهالی کردستان را به حسن دست ستاد ارتش باید واز نموده انتظار داریم این عمل فرمانده لشکر را با مونسردی نشی نموده منتظر دستور مساعد و منطقی ستاد ارتش باشد.

۴. بهیچ وجه است تمام فقط در دوج تلگراف فرسیده انگشاندوده اقداماتی را که لازم است جمل خواهیم آورد.

پلی کلینت تهران نصب نظر آقایان دکتر عبدالعزیز اردلان، دکتر هوشنگ طوسی و دکتر جهانگیر چها شاد اداره میشود.

آدرس تهران خیابان سوم اسفند